

doi 10.22059/JWICA.2023.350453.1847

Prediction of women's aesthetic belief in art based on the need for cognition and problem-solving styles with the mediating role of cultural intelligence

Farhad Karvan^{✉1}

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran : f.karvan@iauh.ac.ir

Article Info

Research Type:
Research Article

Received:
27 October 2022

Accepted:
9 November 2023

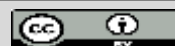
Keywords:
aesthetic belief, woman, problem solving style, need for recognition, cultural intelligence.

Abstract

Examining aesthetic belief and artistic understanding is considered one of the important topics in art fields. The purpose of the current research was to investigate the relationship between aesthetic belief and problem-solving cognitive style and the need to recognize the mediating role of cultural intelligence in art students. Therefore, the main question of this research was whether it is possible to develop a model for women's belief in artistic aesthetics based on problem solving styles and the need for recognition through the mediation of cultural intelligence? The research method is descriptive and correlational. The statistical population of this research included all female art students of Hamadan universities in the academic year of 2019-2019. 377 students were selected as a purposeful and available sample from among the faculties and educational groups and according to the research plan, and according to the aesthetic belief questionnaires of Taghizadeh and Babaei (2016), the need to know (Cacioppo, Petty and Kao (1984), problem-solving styles Cassidy and Long (2013) and cultural intelligence Early and Ang (2003) answered. Research data with descriptive statistics (mean, standard deviation and skewness and skewness statistics) variables) and inferential statistics (Pearson's correlation and path analysis with the calculation of its defaults) were analyzed. The results showed that the conceptual model compiled with the data had a good fit. The results of the structural relationships of the model showed that the aesthetic belief There is a positive and significant relationship with the constructive skill of problem solving, the need for recognition and cultural intelligence. The constructive skill of problem solving and the need for recognition have a positive and significant relationship with cultural intelligence. The non-constructive skill of problem solving has a negative and significant relationship with the need for recognition and cultural intelligence. Aesthetic belief has a negative and significant relationship with non-constructive problem-solving skills.

How To Cite: Karvan, Farhad (2023). Prediction of women's aesthetic belief in art based on the need for cognition and problem-solving styles with the mediating role of cultural intelligence. *Women in Culture & Art*, 15(3) 471-491

Publisher: University Of Tehran Press.....



پیش‌بینی باور زیباشناسی زنان در هنر بر اساس نیاز به شناخت و سبک‌های حل مسئله با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی

فرهاد کاروان^۱✉

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران: f.karvan@iauh.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>بررسی باور زیباشناختی و درک هنری از موضوعات مهم در رشته‌های هنری محسوب می‌شود. هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی رابطه باور زیباشناسی با سبک‌شناختی حل مسئله و نیاز به شناخت با نقش میانجی هوش فرهنگی در دانشجویان هنر بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر هنر دانشگاه‌های همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. ۳۷۷ دانشجو به‌عنوان نمونه به‌صورت هدفمند و در دسترس از بین دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی و با توجه به طرح پژوهش انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های باور زیباشناسی تقی‌زاده و بابایی (۱۳۹۶)، نیاز به شناخت (کاسیوپو، پتی و کائو ۱۹۸۴)، سبک‌های حل مسئله کسیدی و لانگ (۲۰۱۳) و هوش فرهنگی ارلی و آنگ (۲۰۰۳) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با روش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و آماره‌های کجی و کشیدگی توزیع متغیرها) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با محاسبه پیش‌فرض‌های آن) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد مدل مفهومی تدوین شده با داده‌ها برازش مناسبی داشت. نتایج روابط ساختاری مدل نشان داد که باور زیباشناسی با مهارت سازنده حل مسئله، نیاز به شناخت و هوش فرهنگی رابطه مثبت و معناداری دارد. مهارت سازنده حل مسئله و نیاز به شناخت با هوش فرهنگی رابطه مثبت و معناداری دارند. مهارت غیرسازنده حل مسئله با نیاز به شناخت و هوش فرهنگی رابطه منفی و معناداری دارد. باور زیباشناسی با مهارت غیرسازنده حل مسئله رابطه منفی و معناداری دارد.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۵ آبان ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۲۸ آبان ۱۴۰۲</p> <p>واژه‌های کلیدی باور زیباشناسی، زن، سبک حل مسئله، نیاز به شناخت، هوش فرهنگی.</p>
<p>استناد به این مقاله: کاروان، فرهاد (۱۴۰۲). پیش‌بینی باور زیباشناسی زنان در هنر بر اساس نیاز به شناخت و سبک‌های حل مسئله با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی زن در فرهنگ و هنر، ۱۵ (۳)، ۴۷۱-۴۹۱</p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران</p>	



۱. مقدمه

یکی از راه‌های شناخت و ادراک انسان از جهان و پدیده‌های هستی، هنر است. این رازگشایی و پرده‌برداری از حقایق، نوع بی‌نظیر و منحصر به فردی از دانستن است که زیبایی‌شناسی نام دارد (برودی^۱، ۱۹۶۵). زیبایی‌شناسی، علم به چگونگی شناخت امور است (لوینسون^۲، ۲۰۰۹)، که از دیدگاه‌های مختلف فلسفی، هنری و روان‌شناختی بررسی می‌شود. شناخت جهان به‌طور فزاینده‌ای پیچیده است و به دنبال آن نوع تفکر برای عمل در جهان نیز باید پیچیده باشد. تحقیقات نشان می‌دهد این نوع تفکر به‌وسیله زیبایی‌شناسی امکان‌پذیر می‌شود (لیو^۳، ۲۰۲۰). زیبایی‌شناسی به معنای شکلی از تجربه انسان است که در آن ابعاد عاطفی، اخلاقی و شناختی به‌عنوان یک کلیت وجود دارد (مارسیکو و تاتئو^۴، ۲۰۱۸). مطالعه اصول زیبایی در مقوله هنر می‌گنجد و ماهیت آن نوعی درون‌نگری ذهنی-روانی است. این پهنه علمی باعث علاقه‌مندی روان‌شناسان و ایجاد حوزه‌ای بین‌رشته‌ای با نام روان‌شناسی هنر شده است (وحدت‌طلب، ۱۳۹۵)، به‌عبارتی، زیبایی‌شناسی با بررسی اصول موجود در یک اثر هنری (سوزن^۵، ۲۰۲۰)، اساساً روندی روان‌شناختی از ترکیب دانش، احساس، شناخت و عاطفه دارد (اسمیت و همکاران^۶، ۲۰۱۷). حساسیت زیبایی‌شناختی، الگویی از واکنش‌ها یا برداشت‌هایی است که افراد برای قضاوت درباره احساسات و سلیقه‌ها به کار می‌برند تا به باور درباره ارزشی که در آثار هنری می‌بینند، برسند (میسزوکوسکی و همکاران^۷، ۲۰۲۰). اگرچه ویژگی‌های اشیاء تأثیر زیادی در نحوه ارزیابی، قضاوت، رویکرد و رفتار در برابر آن‌ها دارد (کرادی و همکاران^۸، ۲۰۱۹) اما حساسیت زیبایی‌شناختی به‌عنوان پیش‌نیاز تجربه زیبایی‌شناسی (باریسال و کومار^۹، ۲۰۱۹) به توانایی قضاوت در مورد محرک‌های زیبایی‌شناسی می‌پردازد (میسزوکوسکی و استورم^{۱۰}، ۲۰۱۹). حساسیت زیبایی‌شناسی با سه مؤلفه ادراکی، احساسی و ارزشیابی (کرادی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۰)، به باور می‌رسد. باور زیبایی‌شناسی در هنر را می‌توان در قالب دیدگاه پردازش اطلاعات بررسی کرد. بر اساس این دیدگاه، پیگیری زیبایی در ذهن انسان با

-
- 1- Brodey, Warren
 - 2 - Levinson
 - 3 - Liu
 - 4- Marsico & Tateo
 - 5- Süzen
 - 6 - Smith, L & et al.
 - 7 - Myszkowski, N & et al.
 - 8 -Corradi, G & et al.
 - 9 - Bairisal, S, & Kumar, J.
 - 10 - Myszkowski, N & Storme, M.
 - 11 - Corradi, G & et al.

تشریح فرایند ادراک آغاز می‌شود (شلیبی ۲۰۱۹،^{۱۲})؛ مغز آن را پردازش کرده، پس از تحلیل اطلاعات، ارزیابی می‌کند و به دنبال همین ارزیابی به باور، قضاوت و حس زیبایی‌شناختی می‌رسد (اسبیتینو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۰). گاردنر (۱۹۹۰) معتقد است درک زیبایی‌شناسی با قوای ذهنی و شناختی ارتباط دارد. به نظر او قوای شناختی می‌تواند برای درک آثار هنری و خلق مفاهیم و معانی هنری مورد استفاده قرار گیرد. هنگامی که فرد یاد می‌گیرد دربارهٔ رویارویی خود با جهان پیرامون فکر کند، یک ظرفیت نهان برای تجربه‌های زیبایی‌شناسی به دست می‌آورد. به عبارتی، یادگیری در هنر به معنای آموختن شیوه‌های اندیشه، تفکر و به دنبال آن گسترش دامنهٔ آموخته‌های پیشین دربارهٔ محرک‌ها و پدیده‌های هنرمندانه است (برتلمی، ۲۰۱۱؛ ترجمهٔ سمیعی، ۱۳۹۶) که هنر و زیبایی‌شناسی زمینه‌های لازم را برای خودنگری، خودیابی، خودشناسی، کشف قابلیت‌های درونی و روانی و نیز ادراک خویش فراهم می‌کند و حاصل آن‌ها رشد شناختی است (محمدی و مسلمی، ۲۰۲۱). از آنجا که زیبایی‌شناسی نیز در طی مراحل رشدی شکل می‌گیرد (رشید و همکاران، ۱۳۹۸)، لذا توجه به رشد جنبه‌های مختلف رشدی برای شکل‌گیری آن ضروری است. یکی از این ابعاد رشدی که می‌تواند با زیباشناسی در ارتباط باشد، رشد شناختی با مهارت‌هایی مثل شناخت، حل مسئله و هوش است.

نیاز به شناخت، توصیف‌کنندهٔ تفاوت‌های افراد در فرایندهای پردازش شناختی است. کاسیوپو و پتی^{۱۴} در سال ۱۹۸۲، نیاز به شناخت را به‌عنوان تفاوت افراد در میزان درگیری و لذت حاصل از فعالیت‌های شناختی که نیاز به تلاش فراوانی دارد، تعریف کردند (آرپاچی و بارداکچی^{۱۵}، ۲۰۱۶). نیاز به شناخت ویژگی شناختی منحصر به فردی است که ارتباط زیادی با فعالیت‌های مرتبط با ذهن مانند تفکر، هوش، حل مسئله، تحلیل و پردازش اطلاعات دارد؛ باورها و تلقی افراد از دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در حین داوری دربارهٔ اطلاعات وارد عمل می‌شود. این ویژگی فردی به معنی نیاز به سازماندهی موقعیت‌های مربوط به معنایابی، نیاز به دانستن، باور داشتن و منطقی کردن تجارب زندگی است (کوهن و همکاران^{۱۵}، ۱۹۵۵). رستگار (۱۳۹۶)، نیاز به شناخت را در زمرهٔ گرایش‌های مهم فکری می‌داند که به نحو فراوانی توصیف‌کنندهٔ تفاوت‌های افراد در فرایندهای پردازش شناختی است که به دنبال آن باورهای متفاوت در زمینهٔ زیبایی می‌سازد. افرادی که از نیاز به شناخت بالایی برخوردارند، دوست دارند به روشی متفاوت از دیگران به مسائل بنگرند و از فرصت‌هایی که برای بررسی موضوعات گوناگون به دست می‌آورند، لذت

12- Shelley, J.

13 -Cacioppo, J. T., & et al.

14 -Arpacı, D., Bardakçı, M.

15 -Cohen, A. R., & et al.

می‌برند (کاسیوپو و همکاران، ۱۹۹۶). افرادی که نیاز به شناخت بالایی دارند به شکل درونی منابع شناختی خود را صرف تفکر می‌کنند و فعالانه به سمت موقعیت‌هایی متمایل می‌شوند که به لحاظ شناختی چالش‌برانگیز هستند (فلايشاور و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۰). این افراد ایده‌های بیشتری نسبت به افرادی که نیاز به شناخت پایینی دارند، خلق می‌کنند و سعی دارند بین اطلاعاتی که کسب می‌کنند، ارتباط منطقی ایجاد کنند تا درک و شناخت عمیق‌تر و بهتری از مسائل و موضوعات مدنظر خود به‌دست آورند (نیر و رومنورایان^{۱۷}، ۲۰۰۰)، که این ادراکات در نظام باور شخصی قرار دارد (دیاکونا و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۹). این رویکرد هم سبب تقویت مهارت‌های تفکر خلاقانه و هم سبب افزایش دانش و مهارت‌های تخصصی فرد می‌شود (پتی و همکاران^{۱۹}، ۲۰۰۹). شیوه شناختی چنین افرادی بیشتر مسئله‌محور است (لازاروس^{۲۰}، ۱۹۹۶) و آنان از انجام‌دادن تکالیفی که نیازمند حل مسئله‌اند، لذت می‌برند (کاسیوپو و پتی، ۱۹۸۲). درواقع، فرایندهای پردازش اطلاعات و مهارت‌های حل مسئله در این افراد، در سطح بالایی قرار دارند (دیتر-شمیلزو سوچکا^{۲۱}، ۲۰۰۷). برعکس افرادی که نیاز به شناخت پایینی دارند از تعمق در مورد موضوعات خیلی زود خسته و ناامید می‌شوند و تلاش اندکی برای درک مسائل و موضوعات پیرامون خود می‌کنند (پتی و همکاران، ۲۰۰۹).

حل مسئله به فرایند شناختی و رفتاری اطلاق می‌شود که فرد به‌وسیله آن راهبردی مؤثر و سازش‌یافته برای مشکلات روزمره خود تعیین، کشف و ابداع می‌کند. نظریه پردازش اطلاعات، حل مسئله را به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، شامل شناسایی مسئله، هدف‌گزینی، انتخاب راه‌حل مناسب و ارزیابی نتایج حل مسئله تعریف می‌کند. حل مسئله به تشخیص و کاربرد دانش و مهارت‌هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود، اشاره دارد (بلوم و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۱). به‌عبارتی، توانایی افراد در حل مسائل، تعیین‌کننده توانایی رویارویی با مسائل و کوشش برای حل و فهم آنان است (خان‌صنمی و دیگران، ۱۳۹۴). توانایی حل مسئله بر رسیدن به باور بسیار مؤثر است (گری و هپنر^{۲۳}، ۱۹۸۶). حل مسئله شکلی از مقابله متمرکز بر مشکل است و موجب راه و روش‌های هدفمندانه به‌خصوصی می‌شود که اشخاص به‌وسیله آن مسئله را تعریف کرده و راه‌حلی را انجام می‌دهند (زارع و شیخ‌بهایی،

-
- 16 -Fleischhauer, M. & et al.
 17 - Nair, K. U., & Ramnarayan, S.
 18 - Diaconu-Gherasim, & et al.
 19 - Petty, R. E. & et al.
 20 - Lazarus, R. S.
 21 -Detter-Schmelz, D. R., & Sojka, J. Z.
 22 - Bloom, S.B. & et al.
 23- Gary, W.N., & Hepner, P.

(۱۳۹۳). عملکرد افراد در حل مسائل نیز بستگی به سبک‌های حل مسئله آن‌ها دارد (فلیسا و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۵). سبک‌های حل مسئله به سبک‌های ترجیحی افراد در ایده‌پردازی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هنگام رویارویی با مشکلات اشاره دارد (ایساکسن و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۰). هر فرد بر اساس ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی خود، سبکی را برای حل مسئله‌هایی که با آن‌ها مواجه می‌شود، انتخاب می‌کند که بعضی از این سبک‌ها به پیشرفت وی کمک خواهد کرد و کارآمد است و برخی نیز غیرکارآمد و هیجانی است و موجب جلوگیری از پیشرفت فرد می‌شود (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰). مهارت حل مسئله شامل دو سبک اصلی سازنده (انطباقی و کارآمد) و سبک حل مسئله غیرسازنده (غیرانطباقی و ناکارآمد) است (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۲). کسیدی و لانگ^{۲۴} مؤلفه‌هایی را برای نیل به بهبود عملکرد و استقلال در حل مسئله ذکر کرده‌اند:

- سبک‌های حل مسئله سازنده^{۲۵} که نمایانگر سبک‌های مثبت است شامل: سبک‌های حل مسئله خلاقانه^{۲۶} (توانایی برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن راه‌حل‌های متنوع مسئله‌ساز)، سبک اعتماد در حل مسئله^{۲۷} (اعتماد فرد به توانایی شخصی خویش در حل مشکلات) و سبک گرایش^{۲۸} (بازخورد مثبت نسبت به مشکلات و تمایل به مقابله رودررو با آن‌ها).

- سبک‌های حل مسئله غیرسازنده^{۲۹} که بیانگر سبک‌های منفی است شامل: سبک درماندگی در حل مسئله^{۳۰} (بی‌یاوری فرد در موقعیت‌های مسئله‌ساز)، سبک مهارگری حل مسئله^{۳۱} (تأثیر مهارکننده‌های بیرونی و درونی در موقعیت مسئله‌ساز) و سبک اجتناب در حل مسئله^{۳۲} (تمایل به نادیده گرفتن مشکلات به جای حل آن‌ها).

از دیگر سازه‌های شناختی مرتبط با باور زیبایی‌شناسی، هوش است. براساس دیدگاه زمینه‌گرایی، هوش باید در بستر دنیای واقعی درک شود. زمینه هوش را می‌توان در هر سطح از تحلیل مشاهده کرد. ممکن است بر زمینه‌های محدود، مثل خانه و محیط خانوادگی تمرکز داشته باشد یا زمینه وسیع‌تری مانند فرهنگ را شامل شود. هوش فرهنگی، توانایی و قابلیت فرد در برخورد مؤثر با موقعیت‌های فرهنگی است (انگ و همکاران^{۳۳}،

24- Cassidy, T., & Long, C.

25- Constructive problem-solving style

26- Creative problem-solving style

27- Confidence in problem-solving style

28- Trend style

29- Solving style non-constructive proble-

30- Failure to resolve the issue style

31- Avoidance problem style

32- Avoiding in problem-solving style

33- Ang, S., & et.al.

۲۰۰۶). در واقع، توانایی در گیرشدن و قابلیت استفاده از مهارت‌ها است (لوپز مورفی^{۳۴}، ۲۰۱۳). هوش فرهنگی، قابلیت انعطاف‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد (واروز و یوراسیک^{۳۵}، ۲۰۲۱)؛ ایرلی و انگ^{۳۶} (۲۰۰۳) معتقدند که هوش فرهنگی دارای چهار مؤلفه ذهنی فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتار فرهنگی است. جنبه دانشی هوش فرهنگی شامل آگاهی و دانش اطلاعاتی است. جنبه فراشناختی هوش فرهنگی، به فرایندهای ذهنی بسیار منظم برای دستیابی به دانش فرهنگی، یافتن دانش جهت پردازش بهتر اطلاعات، برنامه‌ریزی، نظارت و تجدیدنظر ذهنی مربوط است. جنبه انگیزشی هوش فرهنگی، به قابلیت‌ها و توانایی‌های فرد برای هدایت توجه و انرژی جهت عملکرد مناسب در موقعیت‌های مختلف و در نهایت جنبه رفتاری هوش فرهنگی به علاقه افراد به تعامل با دیگران در سایر فرهنگ‌ها اشاره دارد. راور و وان دین^{۳۷} (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی نشان دادند که هوش فرهنگی یک سازه چندبعدی و گسترده است که می‌تواند به افزایش هوش، ذهنیت فرهنگ و فعالیت ذهنی منجر شود (تولجا^{۳۸}، ۲۰۱۴). عوامل فرهنگی، باعث رشد هوش و غنی‌شدن شناخت در دو جنس می‌شود و بر عمیق‌ترین زوایای شناخت تأثیر می‌گذارد (مورن، ۱۳۷۶).

با بررسی ادبیات نظری در مورد متغیرهای پژوهشی، می‌توان به اهمیت نقش و جایگاه فرایندهای شناختی از جمله سبک‌های حل مسئله و نیاز به شناخت در شکل‌گیری باور پی برد. این پژوهش به بررسی این مهم در باور زیبایی‌شناسی که دارای بار شناختی و عاطفی است، می‌پردازد و از آنجا که باور زیبایی‌شناسی می‌تواند در موقعیت‌های مختلف با توجه شرایط فرهنگی تغییر کند لذا پرداختن به این موضوع در بستر فرهنگی و در قالب شناخت ضروری به نظر می‌رسد.



شکل ۱: مدل پیشنهادی رابطه مهارت حل مسئله و نیاز به شناخت با باور زیبایی‌شناسی با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی

- 34 - Lopes-Murphy, S. A.
 35- Wawrosz, P., & Jurasek, M.
 36 - Earley, P. C., & Ang, S.
 37 -Raver, L. & Vandyne, L.
 38 -Tuleja, E. A.

علی‌رغم اهمیت این موضوع تا به حال پژوهشی به بررسی باور زیباشناختی از دیدگاه شناختی نپرداخته، لذا این پژوهش بر اساس مدل پیشنهادی شکل ۱ به دنبال بررسی ارتباط باور زیباشناسی با فرایندهای شناختی مهارت حل مسئله و نیاز به شناخت است. به این ترتیب پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سئوالات زیر است:

- آیا می‌توان مدلی برای باور زیبایی‌شناسی هنری زنان بر اساس سبک‌های حل مسئله و نیاز به شناخت با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی تدوین کرد؟
- آیا سبک‌های حل مسئله در زنان نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد؟
- آیا نیاز به شناخت در زنان نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد؟
- آیا هوش فرهنگی زنان نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد؟

۲. روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش متغیرهای مهارت‌های حل مسئله و نیاز به شناخت متغیرهای برون‌زا، هوش فرهنگی متغیر میانجی و باور زیبایی‌شناسی متغیر درون‌زای نهایی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر هنر دانشگاه‌های همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. ۳۷۷ دانشجوی به‌عنوان نمونه به‌صورت هدفمند و در دسترس از بین دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی (گرافیک، نقاشی و طراحی) و با توجه به طرح پژوهش انتخاب شدند. در روش‌شناسی تحلیل مسیر و معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه می‌تواند پنج مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده تعیین شود اما تأکید همیشگی بر این است که حداقل نمونه در تحلیل مسیر و معادلات ساختاری نباید از ۲۰۰ نفر کمتر باشد (هومن، ۱۳۸۴). بر این اساس در پژوهش حاضر نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر انتخاب شد که ۲۳ مورد از پرسش‌نامه‌ها ناقص بود و نمونه نهایی به ۳۷۷ نفر کاهش یافت.

۳. ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از سه آزمون استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق به قرار زیر است: مقیاس باور زیباشناسی: پرسشنامه باور زیبایی‌شناسی تقی‌زاده و بابایی (احمدی، ۱۳۹۶) به‌منظور سنجش درک و باور زیبایی‌شناسی در افراد تدوین شده است. این پرسشنامه با ۳۲ سؤال و در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت به سنجش باورهای زیبایی‌شناسی در افراد می‌پردازد. دامنه امتیاز این

پرسشنامه بین ۳۲ تا ۱۶۰ است. هرچه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد (یعنی به ۱۶۰ نزدیک تر باشد)، نشان دهنده باور زیبایی شناسی بالا و هرچه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه کمتر باشد (یعنی به ۳۲ نزدیک تر باشد) نشان دهنده باور زیبایی شناسی پایین خواهد بود. البته باید این مهم را مدنظر قرار داد که سؤال‌های ۸، ۱۰، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۸ معکوس نمره می‌گیرند و سایر گزینه‌ها به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. عبارات این پرسشنامه بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. به این صورت که کاملاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، مخالفم نمره ۲ و کاملاً مخالفم نمره ۱ می‌گیرد. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده روایی محتوایی در جدول ۱ ارائه شده است. پرسشنامه هوش فرهنگی: این پرسشنامه (ارلی و آنگ؛ ۲۰۰۳) دارای ۲۰ گویه است و هوش فرهنگی افراد را برحسب چهار مؤلفه فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتار فرهنگی می‌سنجد. مقیاس اندازه‌گیری پرسشنامه فاصله‌ای است و سئوالات بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) تنظیم شده است. حداقل نمره فرد در این پرسشنامه ۲۰ و حداکثر نمره ۱۰۰ است. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده روایی محتوایی در جدول ۱ ارائه شده است.

پرسشنامه مهارت حل مسئله: این پرسشنامه توسط کسیدی و لانگ (۲۰۱۳) ساخته شده است و شامل ۲۴ سؤال است که ۶ عامل را می‌سنجد و هرکدام از عوامل دربرگیرنده ۴ ماده از مواد آزمون است. سه عامل، راهبرد حل مسئله سازنده و سه عامل راهبرد حل مسئله غیرسازنده را می‌سنجد. در نمره‌گذاری پرسشنامه به گزینه خیر صفر و به گزینه بله یک و به گزینه نمی‌دانم نیز نمره صفر تعلق می‌گیرد. آزمودنی در برابر هر پرسش که شیوه واکنش وی را در برابر مسائل و موقعیت‌های خاص می‌سنجد، موافقت یا مخالفت خود را نشان می‌دهد و اگر بین آن دو مردد بود، می‌تواند گزینه نمی‌دانم را برگزیند. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده روایی محتوایی در جدول ۱ ارائه شده است.

پرسشنامه نیاز به شناخت: این پرسشنامه به وسیله کاسیوپو، پتی و کائو (۱۹۸۴) مشتمل بر ۱۸ ماده (۹ ماده منفی و ۹ ماده مثبت) تدوین شده که در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در این مقیاس نمایانگر نیاز به شناخت بیشتر است. بنابراین، بیشترین و کمترین نمره هر آزمودنی به ترتیب ۱۸ و ۹۰ و نقطه وسط آن ۵۴ است. آزمودنی‌هایی که نمره‌های بالاتر و پایین‌تر از این نقطه وسط به دست آورند، به ترتیب دارای نیاز به شناخت سطح بالا و سطح پایین هستند

مختاری، داورپناه، ۱۳۹۱). پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده از روایی محتوایی در جدول ۱ ارائه شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

پژوهش حاضر شامل نمونه‌ای از دانشجویان به حجم ۳۷۷ نفر با میانگین و انحراف معیار سنی $24/37 \pm 3/45$ بود. ابتدا شاخص‌های توصیفی همراه پایایی پرسشنامه‌ها بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش متغیرها

روایی محتوایی	آلفای کرونباخ	کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۹۳	۰/۸۱	۰/۷۳	-۰/۸۸	۱/۲۵	۱۰/۱۹	مهارت‌های سازنده حل مسئله
۰/۸۹	۰/۷۹	-۰/۷۵	۰/۳۴	۲/۲۱	۸/۷۰	مهارت‌های غیرسازنده حل مسئله
۰/۹۰	۰/۹۲	-۰/۲۵	-۰/۷۶	۴/۶۱	۵۴/۸۵	نیاز به شناخت
۰/۸۷	۰/۷۵	-۰/۳۸	-۰/۶۶	۱۲/۷۷	۷۸/۱۶	هوش فرهنگی
۰/۹۱	۰/۸۴	-۰/۱۱	-۰/۸۹	۹/۱۹	۸۵/۸۶	باورهای زیبایی‌شناسی

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار مهارت‌های حل مسئله، نیاز به شناخت، هوش فرهنگی و باور زیبایی‌شناسی را نشان می‌دهد. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها کجی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج این آماره‌ها در جدول ۱ نشان می‌دهد توزیع متغیرها در دامنه نرمال قرار دارد (آماره کجی و کشیدگی بین +۱ و -۱ قرار دارد). ضرایب آلفای کرونباخ همه متغیرها نیز بالای ۰/۷ و در محدوده مناسبی قرار دارد. در ادامه برای بررسی ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط باور زیبایی شناسی زنان با مهارت‌های حل مسئله، نیاز به شناخت و هوش فرهنگی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
مهارت سازنده حل مسئله	۱				
مهارت غیرسازنده حل مسئله	-.۳۲**	۱			
نیاز به شناخت	.۱۳**	-.۱۵**	۱		
هوش فرهنگی	.۳۹**	-.۳۶**	.۵۵**	۱	
باور زیبایی شناسی	.۴۷**	-.۵۲**	.۳۴**	.۴۹**	۱

** $p < .01$, * $p < .05$

نتایج جدول ۲ ارتباط بین باور زیباشناسی با مهارت‌های حل مسئله، نیاز به شناخت و هوش فرهنگی را نشان می‌دهد. طبق نتایج باور زیباشناسی با مهارت سازنده حل مسئله، نیاز به شناخت و هوش فرهنگی رابطه مثبت و معناداری دارد ($p < .01$). باور زیباشناسی با مهارت غیرسازنده حل مسئله رابطه منفی و معناداری دارد ($p < .01$). مهارت سازنده حل مسئله و نیاز به شناخت با هوش فرهنگی رابطه مثبت و معناداری دارند ($p < .01$). مهارت غیرسازنده حل مسئله با نیاز به شناخت و هوش فرهنگی رابطه منفی و معناداری دارد ($p < .01$). در ادامه پیش‌فرض‌های تحلیل مسیر از جمله، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده به‌وسیله معادله رگرسیون) با آزمون دوربین واتسون و عدم هم‌خطی میان متغیرهای مستقل با استفاده از شاخص‌های تolerانس^{۳۹} و VIF ^{۴۰} مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول ۳ آمده‌است.

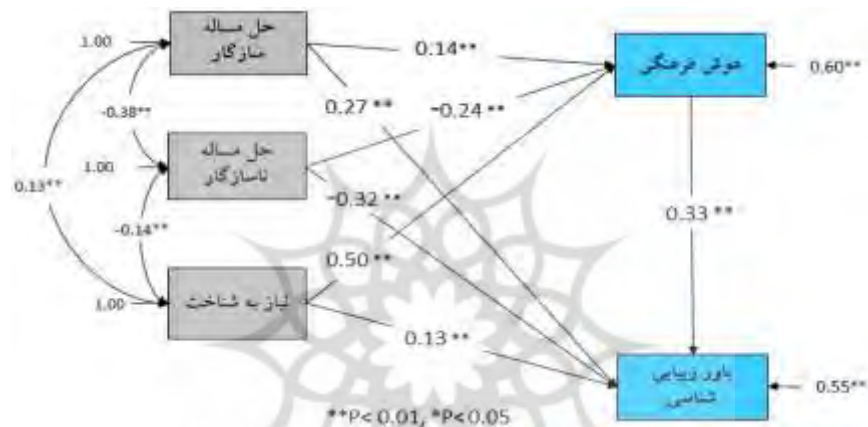
جدول ۳: مقادیر آماره‌های تolerانس و VIF برای بررسی پیش‌فرض عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل

متغیر	مقادیر تolerانس	مقادیر VIF	آماره دوربین واتسون (DW)
مهارت سازنده حل مسئله	.۱۸۲	۱/۲۰	
مهارت غیرسازنده حل مسئله	.۰۷۸	۱/۲۷	۲/۰۸
نیاز به شناخت	.۰۶۹	۱/۴۵	
هوش فرهنگی	.۰۶۰	۱/۶۷	

39- Tolerance

40- Variance Inflation Factor

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، آماره آزمون دوربین واتسون برابر با $2/08$ است و بدین ترتیب، فرض استقلال خطاها تأیید می‌شود، زیرا شرط تأیید این پیش‌فرض این است که میزان آماره این آزمون بین $1/5$ تا $2/5$ باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که مقادیر تفرانس و VIF به‌دست‌آمده برای همه متغیرها در سطح قابل قبولی است. مقدار VIF پایین‌تر از ۵ و مقادیر تفرانس بالاتر از $0/1$ مناسب بوده و نشانگر عدم وجود همخطی چندگانه است. در این پژوهش، با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده برای متغیرهای پیش‌بین، پیش‌فرض عدم همخطی چندگانه تأیید می‌شود. برای بررسی رابطه مهارت‌های حل مسئله و نیاز به شناخت با باور زیبایی‌شناسی با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی از تحلیل مسیر استفاده شد. روابط متغیرها در قالب مدل بررسی شده و در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲: مدل رابطه مهارت حل مسئله و نیاز به شناخت با باور زیبایی‌شناسی با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی در حالت استاندارد

ابتدا برای تعیین برازش کلی مدل، شاخص برازش مدنظر قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۴ ارائه شده‌است. برای شاخص برازندگی X^2/df مقادیر کوچک‌تر از ۳ مناسب و هرچه قدر به صفر نزدیک‌تر باشد حاکی از برازش خوب الگو است. برای شاخص GFI و IFI ، مقدار نزدیک به $0/90$ و بالاتر به‌عنوان برازش نیکویی قابل قبول تلقی می‌شود که نشان‌دهنده خوب بودن مدل است. در ارتباط با شاخص $RMSEA$ مقادیر نزدیک به $0/05$ یا کمتر نشان‌دهنده برازش خوب الگو و مقدار $0/08$ یا کمتر بیانگر خطای منطقی تقریب است؛ مقدار بالاتر از $0/10$ نشان از الزام رد کردن الگو است (هومن، ۱۳۸۶). شاخص‌های برازش ارائه‌شده در جدول ۴ نشان از برازش مناسب مدل دارد.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین شده

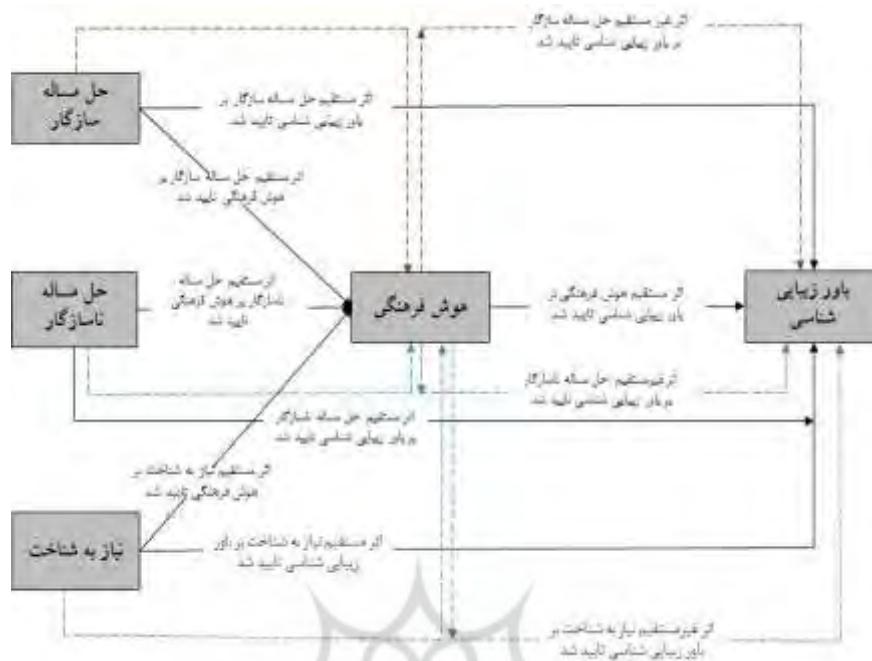
شاخص‌های برازندگی الگو	X ^۲	df	X ^۲ /df	GFI	I FI	CFI	RMSEA
مقادیر به دست آمده	۱۱۲/۷۶	۴۲	۲/۶۸	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۲۱

کلیه اثرات مربوط به تمامی مسیرهای مختلف در مدل مورد توجه قرار گرفته و ضرایب استاندارد مسیرها به همراه سطح معناداری آن‌ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: ضرایب مدل تبیین باور زیبایی شناسی بر اساس سبک‌های حل مسئله و نیاز به شناخت، با میانجی‌گری هوش فرهنگی

P-Value	t-Value	ضریب مسیر	مسیر مستقیم
۰/۰۰۱	۲/۹۷	۰/۱۴	مهارت سازنده حل مسئله ← هوش فرهنگی
۰/۰۰۱	-۵/۴۵	-۰/۳۴	مهارت غیرسازنده حل مسئله ← هوش فرهنگی
۰/۰۰۱	۱۲/۴۳	۰/۵۰	نیاز به شناخت ← هوش فرهنگی
۰/۰۰۱	۶/۴۳	۰/۲۷	مهارت سازنده حل مسئله ← باور زیبایی شناسی
۰/۰۰۱	-۷/۳۰	-۰/۳۲	مهارت غیرسازنده حل مسئله ← باور زیبایی شناسی
۰/۰۰۱	۲/۷۶	۰/۱۳	نیاز به شناخت ← باور زیبایی شناسی
۰/۰۰۱	۷/۶۲	۰/۳۳	هوش فرهنگی ← باور زیبایی شناسی
P-Value	t-Value	ضریب مسیر	مسیر غیرمستقیم
۰/۰۳۸	۲/۰۶	۰/۰۴	مهارت سازنده حل مسئله ← هوش فرهنگی ← باور زیبایی شناسی
۰/۰۱۲	-۲/۵۱	-۰/۰۸	مهارت غیرسازنده حل مسئله ← هوش فرهنگی ← باور زیبایی شناسی
۰/۰۰۱	۳/۲۷	۰/۱۶	نیاز به شناخت ← هوش فرهنگی ← باور زیبایی شناسی

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از ضرایب استاندارد مدل در جدول ۵ نشان می‌دهد که اثرات مستقیم مهارت‌های حل مسئله و نیاز به شناخت بر هوش فرهنگی و باور زیبایی شناسی در مدل معنادار است. همچنین اثر مستقیم هوش فرهنگی بر باور زیبایی شناسی معنادار است. نتایج نشان می‌دهد اثرات غیرمستقیم مهارت‌های حل مسئله و نیاز به شناخت بر باور زیبایی شناسی از طریق هوش فرهنگی نیز معنادار است. خلاصه نتایج پژوهش در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳: خلاصه یافته‌های تحقیق

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین باور زیباشناسی با سبک‌شناختی حل مسئله و نیاز به شناخت با نقش میانجی هوش فرهنگی در بین دانشجویان دختر انجام گرفت. سؤال اصلی پژوهش این بود که آیا می‌توان مدلی برای باور زیبایی‌شناسی هنری زنان با سبک‌های حل مسئله و نیاز به شناخت با نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی تدوین کرد؟ نتایج نشان داد بین باور زیباشناسی با مهارت‌های حل مسئله و نیاز به شناخت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت، با توجه به اینکه باور زیبایی‌شناسی دارای ابعاد شناختی و ادراکی است؛ لذا رشد ابعاد شناختی و ادراکی در فرد آدمی موجب افزایش باور زیبایی‌شناسی در فرد می‌شود. توانایی زیباشناختی فرد همانند دیگر توانایی‌های ذهنی او در حال رشد و دگرگونی است. همان‌گونه که در نوع و شکل مهارت‌های ذهنی، توجه، استدلال، حل مسئله و هوش در جریان رشد و تحول دگرگونی‌هایی روی می‌دهد، از نظر توانایی زیبایی‌شناختی نیز دگرگونی‌هایی صورت می‌گیرد؛ به این صورت که در سنین کمتر جنبه‌های عینی نمایان هستند و هرچه که سن افزایش می‌یابد، جنبه‌های حسی، هیجانی، ذهنی - انتزاعی، عملی و نمادین بیشتر پدیدار می‌شوند. بنابراین وقتی فرد رشد فرایندهای شناختی مثل توانایی دریافت، درک، تجسم و حل مسئله به محرک‌ها را داشته

باشد، قدرت و تحلیل زیباشناسی را نیز دارد، چنین فردی بهتر می‌تواند در برابر مسائل ایده‌پردازی کند و به خلاقیت هنری برسد. با توجه به یافته‌های این پژوهش باید در نظام آموزشی، علاوه بر توجه به جنبه شناختی، به جنبه عاطفی و هنری نیز دقت شود و این باعث رشد فراگیران می‌شود. سؤال اول پژوهش این بود که آیا سبک‌های حل مسئله زنان نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد؟ نتایج نشان داد که باور زیباشناسی با سبک سازنده حل مسئله رابطه مثبت و معناداری دارد. دانشجویانی که از سبک سازنده استفاده می‌کنند، در انجام دادن تکالیف تحصیلی نوآوری دارند و تلاش می‌کنند زمینه وسایل موجود را به چالش بکشند و راه‌حل‌های تازه ارائه دهند. بنابراین می‌توان گفت دانشجویانی که از سبک شناختی سازنده استفاده می‌کنند، تحلیل‌های شناختی بهتری دارند که این می‌تواند زمینه‌ای برای باور زیباشناسی باشد؛ چون باور زیبایی‌شناختی، الگویی از واکنش‌ها یا برداشت‌هایی است که انسان‌ها برای قضاوت درباره احساسات و سلیقه‌ها دارند و به افراد اجازه می‌دهد درباره مواردی که ممکن است دارای ارزش زیبایی‌شناختی باشند، مانند نقاشی یا موسیقی، قضاوت کنند و آن‌ها را به چالش بکشند و برداشت جدیدی داشته باشند. همچنین نتایج نشان داد که باور زیباشناسی با سبک غیرسازنده حل مسئله رابطه منفی و معناداری دارد. دانشجویانی که سبک شناختی غیرسازنده دارند، در زمان انجام دادن تکالیف، بیشتر برای حل مسائل می‌کوشند تا طرح مسئله؛ و از آنجایی که تفکر همگرایانه‌ای دارند، لذا در برداشت مفهومی و معنایی یک اثر نوآوری دیده نمی‌شود. با توجه به بار شناختی باور زیبایی‌شناختی، دانشجویی که سبک غیرسازنده دارد تحلیل خوب و قوی در زمینه شناخت ندارد که این امر در باور او تأثیر می‌گذارد.

سؤال دوم پژوهش این بود که آیا نیاز به شناخت در زن، نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد؟ در تبیین این نتیجه می‌توان اظهار داشت با توجه به جنبه‌های شناختی درگیر در تحول زیباشناسی، دور از انتظار نیست که حساسیت و به‌ویژه هوش زیباشناسی نیز که مرتبط با این جنبه رشدی هستند هم در تحول زیباشناسی نقش داشته باشند. چرا که باور زیباشناسی، درگیر شدن شناختی فرد با پدیده‌های زیبا را در پی دارد. میزان توانایی شناختی افراد در توجه، دریافت و پاسخ‌دهی ارزیابانه، نسبت به محرک‌های گوناگون نیز نقش مهمی در تحول زیباشناسی آنان دارد. در همین راستا، تفاوت‌های افراد در توانایی شناختی می‌تواند در باور زیباشناسی ایشان مؤثر باشد. دانشجویانی که نیاز به شناخت بالایی دارند، فعالیت‌ها یا تکالیفی را انتخاب می‌کنند که در آن‌ها چالش وجود داشته باشد و از این کار لذت فراوانی می‌برند. آن‌ها تکالیف دشوار را به تکالیف ساده ترجیح می‌دهند و از اندیشیدن به صورت سخت و برای ساعت‌های

طولانی احساس رضایت می‌کنند. به عبارتی افرادی که نیاز به شناخت بالایی دارند از قدرت شناختی و تفکر برای ورود به تجارب پیچیده شناختی استفاده می‌کنند. پژوهش‌های متعدد روان‌شناسی در مورد تمایل به پردازش اطلاعات نیز بیانگر این است که نیاز به شناخت ارتباط مثبت معنی‌داری با تفکر، اندیشه و باور دارد و پیش‌بینی‌کننده آن‌ها است. دانشجویانی که دارای نیاز به شناخت بالا هستند، در دوران تحصیل خود و در انجام‌دادن تکالیف پیچیده، سخت و رویارویی با مسائل، با آگاهی عمل می‌کنند و وقت و انرژی بیشتری را صرف حل این مسائل می‌کنند. بنابراین، با توجه به موقعیت خاص دانشجویان در مواجهه و رویارویی مداوم با اطلاعات، می‌توان نتیجه گرفت که سازه نیاز به شناخت، یکی از ویژگی‌های مهم ذهنی در دانشجویان است که می‌تواند در شکوفایی ذهنی و افزایش قابلیت‌های حل مسئله به آنان کمک کند.

سؤال سوم پژوهش این بود که آیا هوش فرهنگی زن نقش معناداری در پیش‌بینی باور زیبایی‌شناسی هنری دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که همگام با اندیشیدن درباره تجربه‌های زیباشناختی، درک و باور زیباشناسی افراد نیز گسترش می‌یابد. هنگامی که فرد یاد می‌گیرد تا درباره رویارویی خود با جهان پیرامون بیندیشد، یک توانایی درونی برای فهم تجربه‌های زیباشناختی نیز به دست می‌آورد. این توانایی در جریان رشد و تحول افراد، دچار دگرگونی می‌شود که با یادگیری و محیط در ارتباط است. از آنجا که هوش فرهنگی یک سازه چندبعدی و گسترده است که می‌تواند به افزایش هوش، ذهنیت فرهنگی، فعالیت ذهنی و بررسی انتقادی منجر شود، عوامل فرهنگی، باعث رشد هوش و غنی‌شدن شناخت در دو جنس می‌شود و بر عمیق‌ترین زوایای شناخت تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، یادگیری در هنر شیوه‌های اندیشه، تفکر و پردازش شناختی درباره محرک‌ها و پدیده‌های هنرمندانه را فراهم می‌کند که در بستر تجربه و شرایط محیط اجتماعی-فرهنگی پالایش، تغییر، ترکیب و بسط می‌یابند. به همین دلیل است که هوش فرهنگی، به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های ذهنی فراشناختی، شناختی و رفتار فرهنگی قابلیت انعطاف‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد.

با توجه به اهمیت رشته‌های هنری و آموزش آن در دانشگاه‌ها، به پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه آموزش هنری پیشنهاد می‌شود که سازه‌های نیاز به شناخت و سبک حل مسئله را در جهت افزایش قدرت شناختی دانشجویان مورد توجه قرار دهند و حتی در گروه‌های دانش‌آموزی نیز بررسی کنند. همچنین به مدرسان رشته‌های هنری توصیه می‌شود از انواع روش‌های آموزشی و تجربیات خود مانند آموزش شناختی، تفکر و الگوی حل مسئله برای آموزش این مهارت‌ها به‌خصوص در دروس پایه که در اولین سال‌های آموزش هنری در دانشکده‌های هنر تدریس

می شود، استفاده کنند تا به ارتقای حل مسئله و فرایند هوشی دانشجویان که لازمه باور زیباشناسی است، کمک کنند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود؛ یکی از این محدودیت‌ها دسترسی به دانشجویان به علت شیوع ویروس کرونا بود که این امر جمع‌آوری اطلاعات را کمی با مشکل مواجه کرد. افزون بر این، با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها و تکمیل آن به وسیله دانشجویان دختر در فضای مجازی صورت گرفته است، ممکن است دقت اطلاعات را کاهش داده باشد، لذا استفاده از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات همچون مصاحبه و مشاهده و اجرای حضوری، می‌تواند اطلاعات کامل‌تری را در خصوص متغیرهای پژوهش به دست دهد. همچنین با توجه به اینکه، جامعه و نمونه پژوهش حاضر از دانشجویان دانشگاه همدان بود، باید در تعمیم آن به جوامع دیگر احتیاط کرد.

منابع

- آقایوسفی، علیرضا و شریف، نسیم (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های حل مسئله و بهزیستی شخصی در دانشجویان. *اندیشه و رفتار*، ۶(۲۲)، ۷۹-۸۸.
- احمدی، علی (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و خاستگاه آن در پویه‌شناسی صور معماری. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. واحد کرمان*.
- برتملی، ژان (۱۳۹۶). *زیباشناسی*. ترجمه احمد سمیعی. تهران: سخن.
- بهروزی، بهروز، فرهادی، مهران، خزایی، حبیب‌الله و مهرابی، حسین علی (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد شخصیت و سبک‌های حل مسئله در مبتلایان به بیماری کرونری قلب، کم‌درد مزمن و افراد سالم. *ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱۷(۲)، ۶۸-۷۵.
- خان‌صنمی، شعبانعلی، عابدینی، زهرا، شاه‌سیاه، مرضیه و طاهری‌خرامه، زهرا (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۲)، ۲۸-۳۶.
- رستگار، احمد (۱۳۹۶). ارائه مدل علی روابط نیاز به شناخت و درگیری شناختی با نقش واسطه‌ای اهداف پیشرفت و هیجانات تحصیل. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۶(۱)، ۹-۲۶.
- رشید، خسرو، بیات، احمد (۱۳۹۸). تبیین رابطه ابعاد سرمایه‌های روان‌شناختی و مؤلفه‌های همدلی عاطفی با میانجی‌گری هوش زیباشناسی. *علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۷۴)، ۱۷۱-۱۸۰.
- زارع، حسین و شیخ‌بهبایی، پریسا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر ارتقا و بهبود سبک‌های تصمیم‌گیری در والدین کودکان کم‌توان ذهنی. *پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی*، ۱(۲)، ۱-۱۰.
- مختاری، حیدر و داورپناه، محمدرضا (۱۳۹۱). نیاز به شناخت و تأثیر آن بر رفتار اطلاعاتی دانشجویان. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱(۱)، ۳۳-۵۴.

مورن، ادگار (۱۳۷۶). *انسان‌شناسی شناخت*. ترجمه علی اسدی. تهران: سروش.
 وحدت‌طلب، مسعود (۱۳۹۵). زیبایی‌شناسی خویشتن‌خواه نقش سرشت مشترک زیستی در داوری زیبایی.
 صفحه، ۲۴(۶۴)، ۵-۱۸.
 هومن، حیدرعلی (۱۳۸۶). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل*. تهران: سمت.

Ang, S., Van Dyne, L., & Koh, C. (2006). Personality correlates of the four-factor model of cultural intelligence. *Group & Organization Management*, 31(1), 100-123.

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1059601105275267>

Arpacı, D., & Bardakçı, M. (2016). An Investigation on the Relationship between Prospective Teachers' Early Teacher Identity and Their Need for Cognition. *Journal of Education and Training Studies*, 4(3), 9-19.
<http://jets.redfame.com>

Bairisal, S., & Kumar, J. (2019). *Design and Development of a New Instrument for Measuring Aesthetic Sensitivity*. In *Research into Design for a Connected World* (pp. 281-290). Springer, Singapore.

https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-13-5977-4_24

Bloom, S. B. Hasting, J. T., & Madams, G. F. (2011). *Handbook of formative and summative evolution of student learning*. New York: McGraw-hill.

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000220096>

Brodey, W. (1969). The other than visual world of the blind. *Ekistics*, 28, 100-103.

<https://www.jstor.org/stable/43622791>

Cacioppo, J. T., & Petty, R. E. (1982). The need for cognition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42(1), 116-31.
<http://dx.doi.org/10.1037/0022-3514.42.1.116>

Cacioppo, J. T., Petty, R. E., Feinstein, J. A., & Jarvis, W. B. G. (1996). Dispositional differences in cognitivation: The life and time of individuals varying in need for cognition. *Psychological Bulletin*, 119, 197-253.

<https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=10.1037%2F0033-2909.119.2.197>

Cassidy, T., & Long, C. (2013). Problem solving style. Stress and Psychological illness: Development of a multifactorial measure. *British Journal of Clinical Psychology*, 3(5), 265-277.

<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/8773802/>

Cohen, A. R., Stotland, E., & Wolfe, D. M. (1955). An experimental investigation of need for cognition. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 51(2), 291.

<https://doi.org/10.1037/h0042761>

Córdova, F. M., Díaz, M. H., Cifuentes, F., Cañete, L., & Palominos, F. (2015). Identifying problem solving strategies for learning styles in engineering students subjected to intelligence test and EEG monitoring. *Procedia Computer Science*, 55, 18-27.

<https://doi.org/10.1016/j.procs.2015.07.003>

- Corradi, G., Belman, M., Currò, T., Chuquichambi, E. G., Rey, C., & Nadal, M. (2019). Aesthetic sensitivity to curvature in real objects and abstract designs. *Acta Psychologica*, 197, 124-130.
<https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2019.05.012>
- Corradi, G., Chuquichambi, E. G., Barrada, J. R., Clemente, A., & Nadal, M. (2020). A new conception of visual aesthetic sensitivity. *British Journal of Psychology*, 111(4), 630-658.
<https://doi.org/10.1111/bjop.12427>
- Diaconu-Gherasim, L. R., Tepordei, A. M., Mairean, C., & Rusu, A. (2019). Intelligence beliefs, goal orientations and children's academic achievement: does the children's gender matter? *Educational Studies*, 45(1), 95-112.
<https://doi.org/10.1080/03055698.2018.1443796>
- Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interaction across cultures*, CA, Stanford Bushness Books.
<https://www.sup.org/books/title/?id=3184>
- Fleischhauer, M., Enge, S., Brocke, B., Ullrich, J., Strobel, A., & Strobel, A. (2010). Same or different? Clarifying the relationship of need for cognition to personality and intelligence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 36(1), 82-96.
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/19901274/>
- Gary, W. N., & Hepner, P. (1986). Problem Solving self-appraisal, awareness and utilization of campus Helping resources. *Journal of Counseling Psychology*, 133(1), 34-44.
<https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=10.1037%2F0022-0167.33.1.39>
- Isaksen, S. G., Dorval, K. B., & Treffinger, D. J. (2010). *Creative Approaches to Problem Solving: A Framework for Innovation and Change*. SAGE Publications.
<https://us.sagepub.com/en-us/nam/creative-approaches-to-problem-solving/book234190>
- Levinson, A. (2009). Technology, international trade, and pollution from US manufacturing. *American Economic Review*, 99(5), 2177-92.
<https://www.jstor.org/stable/25592554>
- Liu, K. L., Tsai, W. C., & Lee, C. H. (2020). Non-mycosis fungoides cutaneous lymphomas in a referral center in Taiwan: A retrospective case series and literature review. *Plos one*, 15(1), e0228046.
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/31978091/>
- Lopes-Murphy, S. A. (2013). Evaluating the Impact of Two Globalization Projects on College Students' Cultural Competence and Cultural Intelligence (CQ). *Journal of Effective Teaching*, 13(1), 5-18.
<https://www.semanticscholar.org/paper/Evaluating-the-Impact-of-Two-Globalization-Projects-Lopes-Murphy-Haute/6b4099bf8958ce42299d15c20c41d56dc915007f>
- Marsico, G., & Tateo, L. (2018). Introduction: The construct of educational self. *In the Emergence of Self in Educational Contexts* (pp. 1-14).

- <https://vbn.aau.dk/en/publications/introduction-the-construct-of-educational-self>
- Mohammadi, S. D., Moslemi, Z., & Ghomi, M. (2021). The relationship between, academic motivation with academic burnout and academic achievement in students. *Development Strategies in Medical Education*, 8(2), 11-23.
- <http://dsme.hums.ac.ir/article-1-247-fa.html>
- Myszkowski, N., & Storme, M. (2019). Judge response theory? A call to upgrade our psychometrical account of creativity judgments. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 13(2), 167.
- <https://psycnet.apa.org/record/2019-20312-006>
- Myszkowski, N., Çelik, P., & Storme, M. (2020). Commentary on Corradi et al.'s (2019) new conception of aesthetic sensitivity: Is the ability conception dead? *British Journal of Psychology*, 111(4), 659-662.
- <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/31997304/>
- Nair, K. U., & Ramnarayan, S. (2000). Individual differences in need for cognition and complex problem solving. *Journal of Research in Personality*, 34(3), 305-28.
- <https://doi.org/10.1006/jrpe.1999.2274>
- Petty, R. E., Brinol, P., Loersch, Ch., & McCaslin, M. J. (2009). The need for cognition. In M. R. Leary & R. H. Hoyle (Eds.), *Handbook of individual differences in social behavior*. New York: Guilford Publications. p. 318-329.
- <https://psycnet.apa.org/record/2009-12071-021>
- Raver, L., & Van Dyne, L. (2017). *Developing cultural intelligence*. Cambridge University Press, 407-440.
- <https://doi.org/10.1017/9781316091067.020>
- Sbitnieva, O. F., Sbitnieva, L. M., Ovcharenko, H. E., Furkalo, V. S., & Bondar, S. S. (2020). Aesthetic education as a topical direction of preparation of a modern specialist. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(5).
- <https://www.ijlter.org/index.php/ijlter/article/view/2070>
- Shelley, J. (2019). The default theory of aesthetic value. *The British Journal of Aesthetics*, 59(1), 1-12.
- <http://dx.doi.org/10.1093/aesthj/ayy044>
- Smith, L. F., Smith, J. K., & Tinio, P. P. (2017). Time spent viewing art and reading labels. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 11(1), 77.
- <http://dx.doi.org/10.1037/aca0000049>
- Süzen, H. N. (2020). Art and Aesthetics in Higher Education. *Online Submission*, 7(6), 335-350.
- <https://oapub.org/edu/index.php/ejes/article/view/3156>
- Tuleja, E. A. (2014). Developing cultural intelligence for global leadership through mindfulness. *Journal of Teaching in International Business*, 25(1), 5-24.
- <https://doi.org/10.1080/08975930.2014.881275>

Wawrosz, P., & Jurasek, M. (2021). Developing Intercultural Efficiency: The Relationship between Cultural Intelligence and Self-Efficacy. *Social Sciences*, 10(8), 312.
<https://ideas.repec.org/a/gam/jscscx/v10y2021i8p312-d617895.html>

